

محسن گلزاده

عدالت

را در خانواده و مدرسه پاس بداریم

ما که عدل را بعنوان یک اصل اسلامی میشناسیم و معتقد هستیم تمام راهنمایان و پیامبران برای هدایت مردم در جهت برپائی عدالت فرستاده شده اند (۱) ، بنابراین اولین وظیفه ما در خانواده بعنوان پدر و مادر و در مدرسه بعنوان معلم و مدیر و در جامعه بعنوان یک مسئول اینست که عدالت را در هر مرحله تشخیص دهیم و به آن عمل کنیم ، چرا که بدترین مردم کسانی هستند که چیزهائی را میگویند حالیکه عمل نمیکنند . (۲)

متأسفانه گروهی از پدران و معلمان و مسئولان اعتراف به اشتباهات خود و دادن حق به فرزندان و شاگردان و مردم را مخالف با شان و موقعیت خود میدانند ، در حالی که ما اگر مسلمان هستیم و به عدل بعنوان یک اصل معتقد هستیم باید به آن عمل عمل کنیم و حتی کسانی که مسلمان

اکثراً وقتی بعنوان یک مسلمان مورد سؤال قرار میگیریم ، توحید و عدل را از اصول اعتقادی خود میدانیم . اما توجه نداریم که این اصول اعتقادی بایستی مبنا و اساس رفتار ما در خانواده - مدرسه و جامعه باشد و اگر رفتاری که ما روزانه انجام میدهیم با این دو اصل مهم سازگاری نداشت ، نمیتوانیم خود را مسلمان معتقد و مومن بدانیم .

در طی سالیان دراز عوامل مختلف استعمار از راههای گوناگون سعی داشتند تا اصول و مفاهیم اصیل اسلامی را مسخ کنند و یا توجه مردم را به ظاهر و جنبه فکری و ذهنی آن مفاهیم جلب کنند تا وظیفه مهم هر مسلمان که پیاده کردن این اصول در زندگی فردی و جمعی است کم کم فراموش شود و دلها با تکرار بعضی او را و اذکار خوش باشد .

بنا فرموده حسین علیه السلام ، آزادی حکم میکند به عدالت بیندیشند و آنرا در جامعه رعایت کنند .

اما در ابتدا عدالت را بشناسیم : عدالت یعنی رساندن هر حقی به صاحب آن حق ، مادر خانواده بعنوان پدر و مادر بایستی حق فرزندان خود را بشناسیم ، در صورتیکه این حقوق را رعایت کردیم عدالت را در خانواده برقرار کرده ایم ، در غیر اینصورت با وجود اعتقاد به عدل ، ما ظلم را در خانواده برقرار کرده ایم ، در مدرسه بعنوان معلم و مدیر باید حقوق شاگردان را بشناسیم و بآنها عمل کنیم و بیاد داشته باشیم که اگر چنین عدالتی را برقرار نکنیم علاوه بر اینکه خود بعنوان یک انسان دچار خطا شده ایم ، رفتار نادرست ما تاثرات ناگواری بر روحیه و افکار شاگردانمان خواهد گذاشت و چه بسا مسیر زندگی آنها را در آینده با انحراف بکشاند . پس بیایید با حقوق فرزندان و شاگردانمان آشنا شویم و برای رساندن این حقوق بآنها توجه و دقت لازم و کافی را داشته باشیم :

شاید مناسب باشد قبلا گوشه‌ای از گله‌هایی را که فرزندان و دانش‌آموزان از اولیاء و مربیان خود دارند ، بیان شود تا بیشتر متوجه باشیم که رفتار ما اگرچه بنظر خودمان زیاد مهم نباشد ، ولی چه تاثرات عمیق و دقیقی در فرزندان خواهد گذاشت ، فرزندانمان از شما انتظار دارند

که این مسائل را در نظر بگیرید و در عمل بآن توجه داشته باشید :

— موقعیت و رشد ما را درک کنند و در زمان‌های مختلف با ما بیک نوع برخورد نکنند .
— با محبت ، هم درد و راهنمای ما در زندگی باشند .

— محیط آزاد برای ابراز عقیده و اجازه فعالیت های اجتماعی .

— ما را در پیش دیگران تحقیر نکنند و دیگران را برخ ما نکشند .

— بین بچه‌ها در ابراز محبت تبعیض قائل نشوند و از بعضی حمایت بیدلیل نکنند .

— ناراحتیهای روزانه را در خانه ابراز نکنند .

— بنظرات ما خوب گوش کنند و جواب قانع کننده بدهند .

— از حرفهای رکیک و شوخیهای مبتذل خودداری کنند .

— بچه‌ها را به مبانی دینی و اخلاق اسلامی با گفتار و رفتار خودشان راهنما باشند .

می بینید که فرزندان شما دقیقا رفتارشان را ضبط میکنند و نسبت بآن قضاوت میکنند و عکس العمل مثبت و منفی اعمال شما بصورت آشکار یا مخفی در ضمیرشان باقی

میمانند .

اما ببینیم این انتظاراتی که بچه‌ها از اولیاء خود دارند ، بجاست و یا توقعات اضافی است که از پدران و مادران خود

دارند .

اینجاست که رابطه این انتظارات با حقوقی که فرزندان بر اولیاء خود دارند روشن میشود و برآوردن صحیح این حقوق است که مفهوم برپاداشتن عدالت در خانواده است . با کمی دقت متوجه میشویم که انتظارات بچه‌ها بمراتب کمتر از حقوقی است که بر والدین خود دارند و پدر و مادر بر اساس ولایتی که بر فرزندان خود دارند وظائف و تکالیفی بس سنگین و مهم دارند و مسلم است که آنهمه احترام و حقوقی که برای والدین قائل شده‌اند (برطبق همان اصل کلی اسلامی که هیچ حق و امتیاز یک طرفه وجود ندارد) وقتی در عمل قابل پیاده کردن است که قبلاً اولیاء تکالیف خود را بخوبی انجام داده باشند ، چطور پدر و مادری از فرزند خود انتظار احترام ، محبت و یاری دارند در حالیکه در کودکی او را با تحقیر ، سرزنش و حرفهای رکیک و تبعیض بزرگ کرده‌اند .

شاید تا بحال بحقوقی که فرزندان بر عهده شما دارند کمتر توجه کرده باشید ، بنابراین مناسب است که در اینجا حق فرزند را که امام سجاد علیهما السلام در رساله حقوقی خود بیان کرده‌اند تذکر داده شود :

حق فرزندان این است که: بدانی او جلوه‌ای از وجود تست و دراین جهان ، خوبی و بدی او با توارتباط پیدا میکند . و تو درباره آنچه نسبت به او مسئولیت پذیری

شده‌ای ، مورد سؤال قرار خواهی گرفت :
از نظر : ۱- تربیت نیکو و آداب آموزی .
۲- دلالت کردن بخداشناسی .
۳- یاری کردن به او در راه اطاعت حق - به دو طریق :

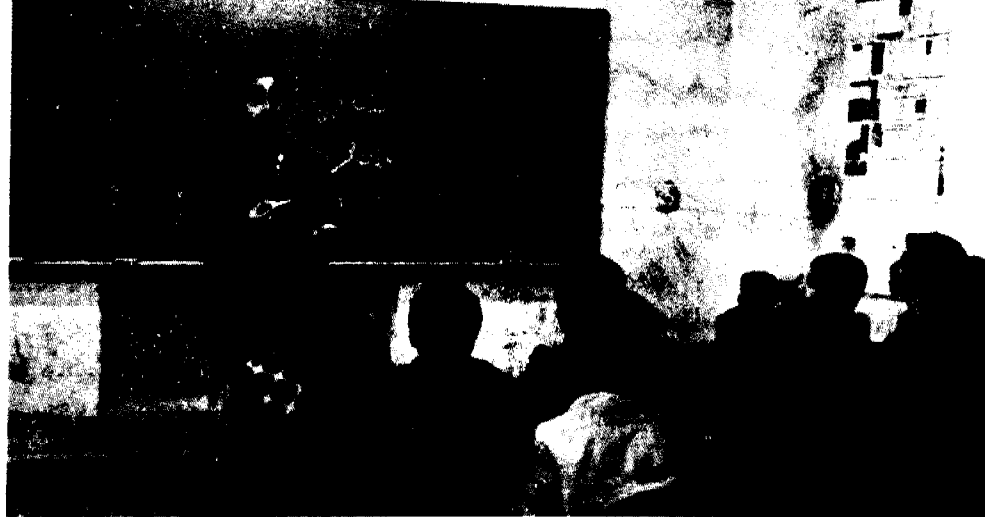
یکی عمل خودت و یکی هم راهنمایی و آموزشی که به او خواهی داد .

(عمل تو درباره او چنین باشد که یقین داری) اگر در این راه کمترین زحمتی بخود میدهی پاداش کافی داری و اگر کمترین کوتاهی نمائی دقیقاً مورد مواخذه و ملامت و مجازات قرار خواهی گرفت .

در رابطه خودت با او طوری رفتار کن که نزد خدا معذور باشی و در راه اصلاح نواقص او از نیروها و غرائز خود او کمک بگیر و در این راه پناهی جز خدا نیست . (۴)

دو نکته ای که از نظر تربیتی بسیار مهم و موثر است : یکی توجه به رفتار است که آنچه عمل میکنید بمراتب موثر تر از آن چیزی است که میگوئید و در آینده از فرزندان آن رفتاری را انتظار داشته باشید که در کودکی با عمل خود به او تعلیم داده‌اید .

نکته مهم دیگر ، توجه به علائق ، خواستها و نیازهای کودکان است که با کمک گرفتن از این نیروها و علائق بهتر میتوانید تربیت و آداب نیکو را در آنان تثبیت کنید ، تا اینکه عقاید و روشهای خود را بر آنان تحمیل کنید و از ابراز عقیده



— تبعیض بین شاگردان نگذارند و حق کسی را پایمال نکنند .

— از عصبانیت و بددهنی وزدن بچه‌ها اجتناب کنند .

— با اعتماد و احترام با شاگردان برخورد کنید و احساس تسلط بر شاگرد نداشته باشید .

— فخر نفروشند ، دستور ندهند و به درد دل بچه‌ها گوش دهند .

— ساده‌باشند تا موجب ناراحتی شاگردان نشوند و از روی وضع ظاهر شاگردان قضاوت نکنند .

— عقاید خود را تحمیل نکنند و باشتباهات شاگردان نخندند .

— از بچه‌ها انتظار التماس و عجز نداشته باشند و نمره را وسیله تهدید قرار ندهند .

— به درس خود مسلط باشند و سرسری نگیرند .

آنان جلوگیری کنید و امکان هرگونه فعالیت و تلاش را از آنان سلب کنید ، که این روشها علاوه بر اینکه تاثیر منفی بر فرزندان دارد و به انحراف از مسیر صحیح زندگی و یا جدائی آنها از کانون خانواده منتهی خواهد شد ، ظلمی است که از جانب شما نسبت بآنان شده و در مقابل رعایت نکردن عدالت مسئول خواهید بود .

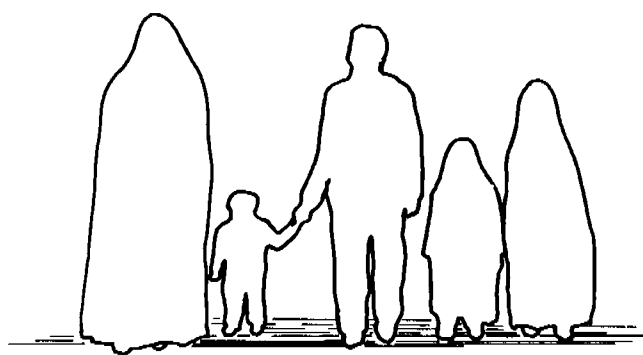
اما در مورد معلمین و مربیان فقط به ذکر توقعاتی که شاگردان از آنها دارند می — پردازیم ، و باید مطمئن بود که این — انتظارات بمراتب کمتر است از حقوقی که شاگرد بر معلم دارد و امید است که با توجه به نکاتی که در بالا ذکر شد بتوانیم خط — مشی را انتخاب کنیم که مبتنی بر عدالت و تامین حقوق فرزندان و شاگردانمان باشد و اینست گوشه‌ای از انتظارات شاگردان از شما مربیان :

تشویق شخصیت

آنوقت خواهید دید که حرکتها و تلاشها همه موقوف خواهد شد . بسیار دیده میشود که شاگردی از درس خواندن اظهار انزجار و بیمیلی کرده و یا کارمند و یا کارگری از رفتن بمحل کار و یا اداره خودداری مینماید در درجه اول مسائلی از قبیل دوری راه و یا خستگی و یا مسائل دیگری از این قبیل مطرح میشود ولی روائشناسی این واقعیت را آشکار میسازد که این عده از نظر روحی و شخصیتی لطمه دیده اند منتهی شرافت و عزت انسانی ایجاب میکند که بعلم مادی و خارجی تعلیل کرده از ذکر علت واقعی خودداری نماید .

بعقیده روائشناسی جنائی افرادی که در بزهکاری و جنایت شهرت و معروفیت

شخصیت برای هر فرد از کوچک و بزرگ مورد توجه و علاقه است ، کودکان خردسال در حرف زدن های عادی خود میکوشند از خود ، خودی نشان داده موجودیت خود را تثبیت نمایند - بچه های کوچک نوعا اینچنین حرف میزنند " من باو اطلاع دادم " من نگذاشتم او بیفتد من درب را باز کردم دقت و تامل در این نوع جملات حاکی است که هدف اصلی براساس معرفی خود یا شخصیت خویش است روی این اصل خود و شخصیت در هر فردی مثل نیروی حرکت است هرگاه این واقعیت سالم و دست نخورده مانده باشد انسانها دائما در حرکت بوده از تلاش و کوشش خسته نخواهند شد ولی اگر روزی باین موتور (شخصیت انسان) لطمه ای وارد شود



گناهان کبیره قلمداد کرده است و عبارات دیگر روح کار و سازندگی و ساخته شدن را از انسانها سلب نکرده است افراد نادری هستند که از نظر عکس‌العمل اعمال و آلودگیهای فوق‌العاده راه بازگشت برایشان بسیار دشوار و یا ممتنع دانسته شده است .

بنابراین هیچکس حق ندارد روزنه امید را بروی نالایق‌ترین افراد در زمینه خاص ببندد چه همین فرد ممکن است در کار دیگری لایق‌ترین فرد باشد .

باید توجه داشته باشیم هرزمینی لامحاله بدرد یک کاری میخورد اگر فاقد معادنی مثل نفت و طلا و نقره باشد ممکن است معدن گچ و یا خاک رس باشد اگر این هم نبود میتوان گندم و جو در آن بعمل آورد پس ما نمیتوانیم فردی را پیدا کنیم که فاقد هر نوع استعدادی باشد زیرا لامحاله انسانی که وجود دارد و وجود عامل خیر و برکت است .

معلمی که شاگردش و یا پدری که به فرزندش میگوید تو بدرد هیچ کاری نمیخوری شتابزده قضاوت کرده است معلم بودن و یا پدر بودن چه با این جمله شخصیت شاگرد و فرزند را نادیده گرفته است .

بجای اینکار باید کوشش کنیم استعدادهای نهفته و پنهان شاگردان و فرزندان را شناسائی کرده در پرورش آن کوشا باشیم . بقیه در صفحه ۴۳

مییابند درحقیقت جزء افرادی هستند که مدرسه و خانواده از آنان نفی شخصیت کرده و برایشان ارزشی قائل نبوده‌اند و این عده در برابر این دید کوشیده‌اند تا ثابت کنند که برخلاف تصور واهی خانواده ویا مدرسه خود شخصیتی داشته‌اند .

ناگفته نماند که چون اینعده شخصیتشان لطمه خورده است لهذا متقابلا کوشیده‌اند از کانال های انحرافی و غیر اجتماعی موجودیت خود را آشکار سازند .

درحقیقت این عده میخواهند داد بزنند و بگویند ای مربیان اجتماعی شما اشتباه کرده از ما نفی شخصیت نمودید حالا ببینید که شخصیت ما چگونه است !

یکی از کارهای بسیار خطرناک مربیان و معلمان اینست که نادانسته از افراد نفی شخصیت مینمایند اینکار زیان‌های جبران ناپذیری بهمراه دارد .

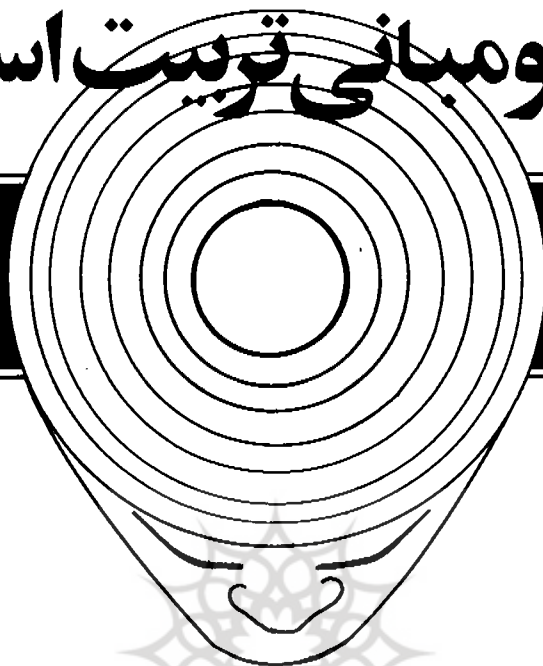
اگر ما قدرت توسعه و گسترش شخصیت افراد را نداریم لاقدر نفی و تضعیف آن تلاش و کوشش نکنیم !

اسلام در عین اینکه برای گناهکاران و مجرمان اجتماعی پاداش‌های سخت در نظر گرفته ولی هیچگاه شخصیت گناهکاران را از بیخ و بن برنکنده بلکه تجدید شخصیت و اعاده حیثیت را برای آنان امری ممکن و عملی دانسته است و اختیار آنرا بدست خود مجرمان سپرده است .

حتی یاس از رحمت الهی را یکی از

اصول و مبانی تربیت اسلامی

دکتر علی قانمی



پیش‌گفتار

است و دستیابی باهدف عالی‌ه انسانی از آن طریق امکان پذیر خواهد بود . شک نیست که هر قومی بنا بمقتضیات حیات خود جنبه‌های تاریخی و جغرافیائی و نیز اقتصادی و سیاسی خویش تربیتی مخصوص دارد که براساس معیارهائی میتواند پیشرفته یا عقب مانده ، متری و یا ارتجاعی باشد . و همچنین سیستم تربیتی هر قومی در طول دهه‌ها و قرن‌ها ممکن است مفید و یا زیانبخش باشد ، جامعه‌هاش را بسوی تحولی مثبت سوق دهد و یا سبب در جا زدن ، عقب گرد و یا رکود گردد .

انسان برخلاف حیوان در طول تاریخ زندگی خودرا متحول میسازد و تغییر میپذیرد . آگاهی‌های فطری و غریزی خود را کامل میکند و بعدها همین آگاهی‌ها و تحول را به نسل آینده منتقل مینماید . این تحول و تغییر ، این کسب انتقال آگاهیها از طریق آموزش و پرورش است که اگر صورت نگیرد آدمی چون حیوان در حال رکود باقی خواهد ماند .

براین اساس اهمیت تربیت برای انسان و حیوان است و برای او موجد ارزش و اعتبار و ضامن رستگاری است . مقصد نهائی آفرینش از طریق آن قابل وصول

در پی تحول فکری عظیمی که در جامعه ما در یک قرن اخیر صورت گرفته دگرگونی- هائی عمیق در نظام تربیتی ما پدید آمد که در عین داشتن جنبه مثبت در مواردی بسیار آثاری زیانبخش داشته است . بیان و بررسی این زیانبخشی ها خود نیاز به کتابی جداگانه دارد ولی آنچه را که در این مختصر میتوان بیان کرد و بخصوص در آنچه که مربوط به ۵۰ سال اخیر کشور ما میشود بدینقرار است :

- تربیت متوجه پرورش افرادی بوده است که تنها قادر بانجام کار اداری باشند نه کار عملی . در نتیجه نیایی پدید آورده است که بوروکراتند و دیگر هیچ و این خود ضایعه‌ای بزرگ و موجب اتلاف بودجه و ایجاد درگیریها در جامعه ما بوده است .

- دستگاه تربیتی افرادی پرورانده که کار پدر را رها کرده و بدنبال کارهای خدماتی و اداری افتادند و در نتیجه قدرت تولید از میان رفت ، صنایع دستی و محلی و حتی کشاورزی در معرض خطر و در مواردی به نابودی کشانده شد .

- سازمان تربیتی حتی قادر نشد افرادی بپروراند که در سطح تعمیرکاری وسائل و مصنوعات غربی چون تراکتور و ماشین کار کنند گویانکه بظاهر افرادی متخصص و تحصیلکرده تحویل داده است .

- دستگاه تربیتی فقط به ظاهر امر توجه کرده و به جنبه‌های درونی و اصولی نپرداخته است .

- پرورده‌های دستگاه تربیتی اغلب خودمدار شدند و خود مرکز بگونه‌ای که جز خود کسی را برسمیت نمیشناسند .

- دستگاه تربیتی افرادی پرورد که تقلب و رذالت و کجروی و ناسازگاری در عسده بسیاری از آنها عیان شد . امانتهای پاک الهی را تحویل گرفته و بسیاری از آنان را آلوده و لکه‌دار کرده است . چه بسیار از آنان که در اثر سیستم غلط تربیتی افرادی شدند خائن ، عقده‌ای ، فحاش ، بی-بندوبار و

اینها و ده ها مورد از این قبیل حاصل دستگاه تربیتی ما در این دهه‌های اخیر است که قطعا مورد تائید ما و مکتب ما نبوده و نیست . اما اینکه اینک چه باید کرد پاسخ روشن است ما بخاطر پیروزی خود در انقلاب اسلامی خواست و راه و روش خود برگزیده‌ایم و قراردادیم همه تلاش‌ها و رفتارهای خود را مکتبی و اسلامی کنیم . شک نیست که تربیت ما نیز بعنوان بخشی از فرهنگ انقلاب باید تحول و تغییر پیدا کند و راه و رسم اسلامی را پذیرا گردد .

معنی و مفهوم تربیت اسلامی :

قبلا باید دید که آیا عبارت تربیت اسلامی عبارتی معقول و قابل قبول میتواند

باشد یا نه ؟ آیا در مکتب اسلام میتوان سیستم ونظام خاصی را تحت عنوان تربیت مطرح کرد یا نه ؟

بعقیده ما پاسخ این سؤال مثبت است از آن بابت که ما اسلام را نظامی جامع و کامل و دارای تعالیم مشخص ووسیعی در همه زمینههای مربوط بحیات ، از اقتصاد ، سیاست ، اجتماع ، فرهنگ ، اخلاق ، نظام و ... میدانیم و قائلیم که در زمینه تربیت هم نظرات خاص و ویژه‌ای را دارد که ما دراین سری از بحثها درصدد شرح و عیان کردن آن هستیم . دراسلام آموزش و پرورش برای انسان از زمان حیات جنینی تا مرگ برنامه و طرحهایی دارد که در جمع طیف بهم پیوسته‌ای را تشکیل میدهند و همه جوانب وابعاد وجودی انسان وجامعه درآن موردنظرند و زمینه آن برای ساختن انسان وحرکت او بسوی کمال فراهم و مناسب است .

درزمینه منع این تعالیم و نظام قرآن و سنت را میتوان نامبرد که گنجینه‌ای عظیم برای تهذیب و تربیت انسان است با این حساب موجد و مدع نظام خداوند ، آورنده آن پیامبر ، ناشر ، مبلغ ومبین آن حضرات معصومین هستند و با شناخت چهارچوب مکتب میتوانیم خط فکری تربیت اسلامی را مشخص کنیم .

برای نظام تربیتی اسلام ویژگیهایی است که ما بچند نمونه آن دراین بحث اشاره میکنیم و قبلا یادآور میشویم که این نظام با هیچیک از سیستم‌های موجود جهان همانند نیست ، نه شرقی است و نه غربی ، جنبه‌های مثبت هر دو را واجد است ولی جنبه‌های منفی آنرا دارا نیست .

۱- تربیت دراسلام یک رسالت است که همگان ، ازوالدین ومربیان و اجتماع در ایجاد و حفظ آن مسئولیت مشترک دارند و کسی نمیتواند خود را ازاین مسئولیت دور و برکنار نگهدارد .

۲- تربیت حق کودک است و دیگران حتی جامعه و دولت در برابر آن تعهدات و وظائف خاصی دارند و در واقع به کودک بدهکارند .

۳- دراین نظام اصل برکرامت انسان است . براین اساس مربیان ، جامعه و دولت با تکیه باین جنبه میبایست به تربیتش اقدام کنند .

۴- تربیت بمعنی دگرگونی جسمی و فکری و روانی اجباری است و این غیر از اجبار در کشورهای سوسیالیست یا کشورهای غربی است که تنها برای حفظ منافع توده یا خود شخص در جنبه مادی باشد بلکه مساله رشد و تعالی هم بعنوان وظیفه در تربیت مطرح است .

۵- دراین نظام تمام ابعاد و جوانب وجود انسان بموازات هم وهماهنگ با هم

ویژگیهای این نظام :

اقدام میکند و او را به طرف کمال و تعالی سوق میدهد .

— هدف پرورش افرادی است که اصل و منشأ الهی خود را از یاد نبرده و آگاه باشد که امانتی از پروردگار در دست خود ، والدین ، مربیان ، اجتماع و دولت است سرنوشت خود را خود باید بسازد و سعادت خود را خود در جامعه بشری جستجو کند و در برخوردها صادقانه باشد .

— هدف ساختن افرادی است که وجود و حضور خداوند را در همه جا درک کنند و در اوضاع و احوالی زندگی نمایند که از یک سولازمه فطرت و طبع اوست و از سوی دیگر قادر به جوابگویی در پیشگاه خدا و مردم باشد . باکوشش و تلاش بسوی پروردگارش بشتابد و خود را از طریق عمل صالح به او نزدیک نماید .

— هدف تربیت انسانهایی است که بجای کسب قدرت به جستجوی حقیقت از طریق دستیابی به حکمت و بینش بروند ، از اطاعت کورکورانه و تقلیدی بپرهیزند و نیروی دفاعی خود را در برابر بدآموزیها و بدرفتاریها قوی کنند .

— وبالاخره هدف ساختن امت معتدل و متعادل است ، امتی که چون نمونه والگوئی برای اجتماعات بشری باشند و در شکوفا ساختن همه استعدادهای فردی و جمعی که خداوند به امانت بآنها سپرده است کوشا باشند .
بقیه در صفحه ۴۷

رشد میکنند ، انچنان نیست که بعدی از وجود رشد فوق العاده کند و بعدی دیگر فراموش گردد .

۶— در تربیت اسلامی ایمان ، علم ، عمل ، اخلاق تواما مطرح هستند و این خود موجب ایجاد بنای فرهنگی جدیدی برای بشریت است .

۷— تکیه به وحدت بین دین و دنیا و ماده و معنی است و اینها بموازات هم مورد نظرند و هیچکدام از آنها بخاطر دیگری فراموش و یا فدا نمیگردند .

۸— در این نظام نه فرد اصالت مطلق دارد و نه جمع ، بلکه اصالت فرد آمیخته با جمع است .

۹— انسانها در عین اینکه از دیگران تعلیم می پذیرند و تربیت میشوند خود در سطح و حدی مربی و معلم دیگران نیز میباشند و تعلیم و تعلم بر این اساس توام و همراه باهم است .

۱۰— بین اهداف ، محتوا ، روش ، فلسفه ، ارزیابی وحدت و هماهنگی است و هیچکدام در عرض دیگری نیستند .

هدفها در تربیت اسلامی :

تربیت در اسلام دارای نقشی بنیادی است از آن بابت که در ساختن انسانی ارزنده ، دانا ، توانا ، عاقل ، با فضیلت باتقوا ، متعهد ، صادق ، دارای هدف توحید و در مسیر از طریق مکتب توحید

گفتاری درباره ریشه‌شناسی جرایم اطفال

دکتر سید حسن غفوری غروی

در شماره قبل اولین قسمت از مقاله تحقیقی ریشه‌شناسی جرائم اطفال بچاپ رسید اینک بخش دوم یا بهتر بگوئیم دنباله‌آن از نظر گرامی خوانندگان محترم میگذرد

۲

خانواده اولین محیطی است که طفل در آن قدم به عرصه وجود میگذارد بنابراین در تربیت شخصیت طفل و رشد عاطفی وی بیش از سایر محیط‌ها اثر خواهد گذاشت در بسیاری موارد دیده میشود که تعداد زیادی از اطفال مجرم متعلق بخانواده‌هایی بوده‌اند که از جهتی وضع نامساعدی داشته یعنی یا خانواده با اختلافات داخلی و تضاد بین پدر و مادر بوده و یا آنکه پدر و مادر بعلل مختلف مانند طلاق ، فوت ، ازدواج مجدد از یکدیگر جدا شده و فرزندان بدون سرپرست مانده یا در بعضی موارد تحت قیمومیت اقوام دیگر قرار گرفته و یا به مراکز اطفال بی سرپرست سپرده شده بودند . آماري که محققين خارجي مانند پروفيسور هويه روانپزشک معروف فرانسوی و ژان بیناتل درباره اطفال مجرم فرانسه منتشر کرده اند کاملاً موید این موضوع است و نظیر این آمار را درباره مجرمین خردسال شهر تهران میتوان بوضوح در سالهای مختلف مشاهده کرد ، چنانکه در جدول زیر طی سالهای ۵۱-۱۳۴۸ تعداد اطفال مجرمی که بموجب حکم قطعی دادگاههای



اطفال بکانون اصلاح و تربیت اعزام شده‌اند تقریباً رقمی بین ۴۰ الی ۵۰ درصد رانشان میدهد که این اطفال خانواده‌ای نا منظم و معشوش داشته‌اند یعنی پدر و مادر بی‌با بعلت طلاق یا فوت و یا بعلل دیگر از یکدیگر جدا زندگی میکرده‌اند

نقش خانواده تنها از لحاظ وضع نا منظم و گسسته آن به تنهایی مطرح نیست ، یعنی تنها فقدان پدر یا مادر و یا جدائی و طلاق والدین و بالاخره عدم وجود سرپرست نیست که میتواند موثر در سقوط و ناسازگاری طفل شود ، بلکه در بسیاری موارد اختلافات داخلی والدین و بالاخره عدم وجود آرامش و تامین در خانواده میتواند بنوبه خود موثر در سقوط و ناسازگاری طفل شود ، در بسیاری موارد اختلافات داخلی والدین ، برخوردها ، تضادها و کشمکشهایی که در خانواده وجود دارد و لطامات عاطفی که از

این جهات و بعلت محرومیت طفل از محبت و حمایت خانواده بروی وارد میشود از عوامل موثر در ناسازگاری و سوق او بسوی محل انکائی غیر از خانواده و خارج از محیط خانواده است ، این محرومیتها سبب میشود که طفل بجستجوی دوستانی در محیطی غیر از محیط خانواده برآید و اغلب در همین دوستیهای ناشناخته و مشکوک است که موجبات بدآموزی و انحراف و سقوط طفل فراهم میشود . بطور طبیعی طفلی در خانواده علاقه دارد که مورد محبت و حمایت قرارگیرد و خانواده را برای خود مامن و محل انکاء میداند حال اگر بهر علت این محیطی که طفل همه خواسته‌ها و آرزوهای خود را بر روی آن متمرکز کرده است متزلزل شود باید در انتظار حوادث و اتفاقات و عکس‌العمل طفل نسبت بموقعیت خود بود در اینجا یک نکته بسیار ظریف

سال	تعداد اطفال اعزامی بکانون اصلاح و تربیت بموجب حکم قطعی دادگاه اطفال	اطفالی که با پدر و مادر زندگی میکرده‌اند	جدائی بعلت طلاق	جدائی بعلت (فوت ، اختلافات) و بعلل دیگر
۱۳۴۸	۶۵۲ نفر	۳۴۵ نفر	۲۳ نفر	۵۸ نفر
۱۳۴۹	۶۶۳ "	۴۵۳ "	۳۱ "	۱۰۲ "
۱۳۵۰	۶۰۲ "	۳۹۰ "	۱۳ "	۱۳۷ "
۱۳۵۱	۶۲۴ "	۳۸۷ "	۲۲ "	۱۶۱ "

روانشناسی وجود دارد و آن اینکه حضور پدر و مادر بخصوص در سالهای اول کودکی از نظر رشد عاطفی طفل ضروری است ، حضور پدر از لحاظ رشد شخصیت طفل و شکوفائی عواطف و اعتماد بنفس وی و حضور مادر از نظر عاطفی و حمایتی ، چنانکه اطفالی که از محبت مادری محروم بوده‌اند اغلب از نظر روانی با تاثرات و ناراحتیهایی عاطفی گاه شدید مواجه بوده‌اند که نمونه‌های آنها باید در بین اطفال گوشه‌گیر و در درون گرا جستجو کرد ، این اطفال در بعضی موارد متقابلاً فاقد عاطفه و محروم از امکان برقراری روابط عادی اجتماعی با دیگران هستند ، زیرا این اطفال خود طعم محبت و عطوفت را نچشیده‌اند تا بتوانند بدیگران ببخشند ، بعلاوه در بعضی موارد مادرانی هستند که آگاهانه یا ناخودآگاه فرزندان خود را از محبت واقعی مادری محروم میکنند و یا شدت عمل و رفتار خشونت‌آمیزی با فرزندان دارند یا آنها را بحال خود واگذار میکنند و نسبت بفرزندان بی تفاوت هستند که بویژه سقوط بسیاری از دختران جوان را باید در این طرز رفتار و بعلت همین محرومیت‌های از محبت و عواطف و عدم سرپرستی در خانواده جستجو کرد ، زیرا این غفلتها سبب میشود که نوجوانان در جستجوی محبت و عطوفت دیگری برآیند و بدام افراد فریبکار و شیادانی که اغلب در سر راه این نوجوانان

هستند گرفتار شوند و فریب دوستیهای ریائی و علائق شیطانی این فریبکاران و گاه دزدان ناموس را بخورند . بموجب آماري که در سال ۱۳۴۷ بوسیله محققین مدرسه عالی خدمات اجتماعی از ۱۵۴۸ نفر روسپیان شهر تهران تهیه شده است نشان میدهد که چگونه رقم قابل توجه اکثریت قریب باتفاق آنان از دوران خردسالی از سرپرستی و حمایت خانواده محروم بوده‌اند بموجب این آمار تعداد ۲۸۷ نفر از آنان از سن ده سالگی ، ۲۵۶ نفر از ۱۲ سالگی ۳۳۲ نفر از ۱۴ سالگی ، ۴۰۸ نفر از سن ۱۶ سالگی ، ۱۷۸ نفر از ۱۸ سالگی ، ۶۷ نفر از ۲۰ سالگی و ۱۵ نفر از ۲۱ سالگی از داشتن خانواده و سرپرست محروم شده بوده‌اند .

در اینجا بوضوح نقش مهم خانواده و محرومیت عاطفی در سقوط آنان ملاحظه میشود ، بویژه که در آمارگیری همین زنان اغلب علت سقوط خود را دوستیهای ریائی و دروغین ، وعده‌های فریبنده وعده‌های ازدواج شیادان ، وعده‌های حمایت مالی ، ازدواج‌های ساختگی و نظایر آنها اعلام کرده‌اند که از جهات مختلف نقش قابل توجه وظیفه حمایتی خانواده را نشان میدهد و بوضوح دیده میشود که والدین چه مسئولیت سنگینی را در برابر خانواده و تربیت و مراقبت اطفال و فرزندان خود بر عهده دارند . نه تنها مسئله فحشاء

عاطفی (VOL de Compenstion)
 نامیده میشود در بین این نوجوانان زیاد دیده میشود آمار سرقت نوجوانان و نسبت فوق العاده آن بسایر جرائم در جدول زیر کاملاً قابل ملاحظه است نباید گمان کرد که این سرقتها در تمام موارد بغلت احتیاج مادی و جنبه اقتصادی موضوع است ، با آنکه نمیتوان منکر تاثیر وضع اقتصادی بطور کلی در سرنوشته این اطفال بود ولی جنبه های عاطفی و وضع خانواده ، طرز تربیت ، حمایت و طرز رفتار خانواده با طفل را در بالا بودن رقم سرقت نسبت بسایر جرائم باید در نظر داشت :

دختران و زنان جوان ، بلکه بسیاری از سرقتها اطفال و نوجوانان که بنظر میرسد بر اثر نابسامانی مالی و یا شرارت و طغیان انجام شده در واقع ریشه های عاطفی داشته است . در کانون اصلاح و تربیت تهران در ظرف این چند سال یعنی از سال ۱۳۴۷ تاکنون همواره سرقت رقمی بین ۷۰٪ الی ۸۰٪ و گاهی بیشتر از مجموع جرائم اطفال اعزامی بآنجا را تشکیل میداده و این نسبت کاملاً نابسامانی وضع خانوادگی این اطفال و محرومیت های عاطفی آنان تناسب داشته است ، یک نوع دزدی که در اصطلاح دزدی برای جبران و جبران از محرومیت

سال					چند درصد	عنوان جرم
۱۳۵۲	۱۳۵۱	۱۳۵۰	۱۳۴۹	۱۳۴۸		
۶۴۲	۶۲۴ نفر	۶۰۲ نفر	۶۶۳ نفر	۶۵۲ نفر	۱۰۰/۰۰	تعداد کل اطفال
۵۳۶	" ۵۲۵	" ۵۱۷	" ۵۴۳	" ۴۵۵	۸۰/۹۳	سرقت و ملحقات آن
۱۰	" ۱۲	" ۱۹	" ۲۸	" ۳۰	۰۳/۱۷	ایراد ضرب و جرح
۲۲	" ۱۹	" ۱۴	" ۱۴	" ۲۱	۰۲/۸۳	حمل ، معامله و استعمال
۹	" ۶	" ۸	" ۵	" ۱۹	۰۱/۴۸	چاقوکشی
۷	" ۸	" ۱۳	" ۹	" ۸	۰۱/۴۱	رابطه نامشروع
۹	" ۱۱	" ۴	" ۵	" ۳	۰۱/۰۱	قتل عمد و شرکت در آن
۰	" ۲	" ۰	" ۵	" ۲۳	۰۰/۹۴	جرح غیر عمد بر اثر تصادف
۸	" ۴	" ۶	" ۴	" ۵	۰۰/۸۵	قتل غیر عمد
۱	" ۰	" ۱	" ۵	" ۱۷	۰۰/۷۵	رانندگی بدون پروانه
۴۰	" ۳۵	" ۲۰	" ۴۵	" ۷۱	۰۶/۶۳	جرائم دیگر

کاملین لمن اراد ان يتم الرضاعه وعلی المولود له رزقهن وکسوتهن بالمعروف . .)
زیرا مادر در هنگام شیردادن بطفل دو وظیفه مهم را انجام میدهد علاوه برآنکه او را تغذیه میکند باو القاء محبت عاطفی نیز میکند و هرچه طفل از این محبت اعطائی مادر سرشار تر باشد از نظر روانی مستحکمز و قویتر خواهد بود زیرا روحا به میزان کافی از زحمات خانواده برخوردار شده است . بهمین جهت ملاحظه میشود اطفالی که از این مهر و محبت و القاء عاطفی محروم بوده‌اند مثلا اطفالی که فاقد مادر یا خانواده هستند و برای نمونه اطفال پرورشگاهها اغلب این نقصان و کمبود را در روحیه آنان میتوان مشاهده کرد و این اطفال از نظر روانی شکننده تر و همراستب تاثیرپذیرتر هستند ، موضوع دیگری که در دورانهای بعدی و حیات اجتماعی طفل قابل اهمیت است مسئله تربیت طفل و انتقال میراثهای فرهنگی است که بصورت سنتی بطفل آموخته میشود زیرا طفل بر اثر علاقه‌ای که بخانواده دارد از طریق اخلاقی و سنتی والدین واجداد پیروی و تقلید میکند و نقش تقلید در ساختن شخصیت اولیه طفل واجد اهمیت است و باین طریق در حقیقت ارزشهای اجتماعی و فرهنگی بر اثر تربیت و تلقین با خلیقات و نفسانیات سرشته و عجمین میشود و اثرات آن بطور آگاه و ناخودآگاه در ذهن طفل باقی

بطوریکه ملاحظه میشود در اینجا مسئله خانواده تنها از بعد عاطفی آن مطرح نیست بلکه از تمام ابعاد آن مورد نظر است از جهت پرورش طفل ، از لحاظ نوع تفکسر و تربیتی که بطفل داده میشود ، از لحاظ اینکه پدر و مادر برای طفل میتوانند بعنوان نمونه و سرمشقی بوده و طفل آنان را بعنوان اولین مدل زن و مرد برای ساختن شخصیت خود انتخاب میکند ، همچنین از لحاظ حمایت مادی که از طفل بعمل میآید و از جهات دیگر ساخت خانواده قابل توجهه است که بررسی تمام آنها در این مختصر امکان پذیر نیست . ولی در مورد سالیهای اولیه تربیت طفل و نحوه برخورد عاطفی والدین بویژه رفتار مادر موضوع بسیار قابل اهمیت است ، بهمین جهت امروز متخصصین معتقداند مادرانی که نسبت بفرزندان خود از نظر عاطفی توجه بیشتری داشته‌اند این اطفال از نظر روانی دارای استحکام و استقامت بیشتری بوده‌اند مثلا موضوع شیردادن طفل و طول مدت شیر دادن نکته بسیار قابل اهمیتی است و موبد آن آیه شریفه است که خداوند از نظر حمایت طفل مادر را ملزم میکند (صورتیکه بخواهد بطفل بطور کامل شیردهد) باید تا دو سال کامل او را از شیر نگیرد و پدر را ملزم میکند که مخارج طفل شیرخوار و مادر او را طبق معمول عرف بپردازد . (والوالدات یرضعن اولادهن حولین

والقائى از دوران كودكى بوسيله والدين و بوسيله خاتواده (بمفهوم وسيع آن) آموخته ميشود و بهمان صورت سينه بسينه باز از نسلى به نسل ديگر منتقل ميشود .

بحث درباره ساير قسمتها مانند محله ، مسكن ، اطرافيان ، معاشرين و شهر و تأثير آن در بزهكارى و ناسازگارى اطفال و نـوـ جوانان نيز خود موضوع مفصلى را تشكيل ميدهد كه بايد در بحث جداگانه و در فرصت بيشترى از آنها گفتگو شود ، ولسى دراينجا همينقدر در پايان بحث خانواده باختصار اشاره ميشود كه در بعضى موارد و در بسيارى از كشورها بويژه مشرق زمين منجمله در كشور خودما ، محله اغلب

ميمانند . و باين ترتيب اين ميراثهاى اجتماعى از نسلى به نسل ديگر منتقل ميشود ، مثلا تربيت مذهبي والقاء اصول و عقايد به اندازه اى كه در كودكى و دوران اوليه تربيت طفل ميتواند در وى موثر واقع شود هيچگاه در زمان بزرگى و دورانهاى بعد در او اثر نخواهد داشت و بدون ترديد تلقين و تربيت دوران كودكى چيز ديگرى است و بفرمايش حضرت على (ع) العلم فى الصغر كالنقش فى الحجر ، بهمانگونه كه خانواده ميتواند در ساختن شخصيت طفل نقش خلاق داشته باشد ، محله ، اطرافيان ، محل سكنى ، محيط شهر و دوستان و آشنايان طفل نيز بنوبه خود در ساختن شخصيت و رفتار اجتماعى طفل موثر خواهند بود بهمين جهت ديده ميشود كه خلكيات و اختصاصات شخصيت افراد يك جامعه از جامعه ديگر متفاوت است و اين همان خصوصياتى است كه در مفهوم وسيع آن بنام فرهنگ اجتماعى گفته ميشود و مجموعه اى است از تمام خصوصيات مادى و اعتقادات و معنويات يك جامعه كه بصورت ميراث فرهنگى بوسيله آموزش ، بوسيله القاء ، بوسيله يادگيرى ، بوسيله حرَكَات ، رفتار ، گفتار و سنتها چه كتبه ، چه شفاهى و چه عملى از نسلى به نسل ديگر انتقال پيدا ميكند و اساس ملتها و مليت ها را ميسازد . ، مثلا بسيارى از آداب و رسوم ، سنتها ، و مناسك مذهبي بصورت عملـى



دنباله خانواده را تشکیل میدهد ، بسیاری اوقات دیده میشود که عصرها مادران در کوچه و جلو منزل اجتماع کرده بایکدیگر به گفتگو میپردازند و بچهها در کوچه به بازی مشغول میشوند چه بسا ارتباط و تماس اطفال در کوچه با یکدیگر از گروهها و تپب های اخلاقی مختلف و گاه بدآموزیهائی که این تماس ها و با محیط محل ، اطرافیان دوستان و همبازیها میتوانند در اطفال داشته باشد خود مکتبی برای ناسازگاری و گاه بزهکاری و بدآموزی است . البته در تمام موارد نمیتوان گفت که برخورد اطفال از گروهها و تپبهای مختلف میتواند بعنوان عوامل جرم را تلقی شود و یا نابسامانی وضع محله همیشه جرم خیز است ، ولی در بسیاری موارد نیز نمونههایی از آن دیده میشود که برای مثال به باندها و گروههایی که این اطفال در کوچه تشکیل میدهد باید اشاره کرد که در بسیاری موارد بقمار علنی و دسنة جمعی در کوچه میپردازند ، گاه دسته جمعی و گروهی دست به تخریب میزنند ، گاه بولگردی و بیکاری میپردازند گاه دست بسرقت ، استعمال مواد مخدره و دیگر جرائم مشابه آن میزنند و یا در اینگونه راهها کشانده میشوند . چنانکه مسئله شیوع استعمال مواد مخدره در بین نوجوانان و جوانان که بعضی اوقات محله ، اطرافیان ، دوستان ، همبازیها و بالاخره شهر در آن نقش مهمی را دارد یکی از

بلایای خانمانسوز جامعه ما محسوب میشود با آنکه ممکن است عوامل بسیار دیگری از لحاظ زمینه اعتیاد در نوجوانان موثر باشد ولی نقش موثر محله ، دوستان و شهر را نمیتوان نادیده گرفت .

بهرحال در انتهای این بحث باید نتیجهگیری کرد که در بزهکاری اطفال و نوجوانان موضوع ریشه شناسی جرائم همانطور که ملاحظه شد بسیار قابل توجه است ، در بزهکاری اطفال و نوجوانان پس از تجربیات بسیار باین نتیجه رسیده اند که برای همه آنان نمیتوان مانند آنچه در علوم طبیعی جاری است یک سلسله علل و عوامل را بطور قطعی و بصورت قانون لاینغیر علت ناسازگاری و یا بزهکاری دانست زیرا در اینجا بحث ما از انسانهاست که با یکدیگر متفاوتاند و دارای شخصیتهای مستقل و متفاوت هستند ، پس در درجه اول همانطور که هر انسانی دارای شخصیتی مجزا و مشخص از دیگران و خاص خود میباشد عواملی هم که ممکن است موجبات انحراف و یا سقوط او را فراهم کند مجزا و ویژه خود او است و باید بطور جداگانه مورد بررسی قرار گیرد ، و در ثانی همیشه یک عامل سبب بزهکاری نمیشود ، مثلا بگوئیم چون این شخص از نظر خلقی یا روانی دارای نقائصی است ، یا از نظر خانواده وضع نابسامانی دارد یا از لحاظ محیط و معاشرین محیط آلودهای



اجتماعی با کمک یکدیگر و بطور گروهی به تحقیق و علت یابی میپردازند، و برخلاف آنکه عده‌ای فکر میکنند که بوسیله تنبیه یا ارباب و اقدامات شدید انضباطی و خشونت میتوان از بزهکاری جلوگیری کرد امروز معتقد هستند که درباره هر طفل باید علت بزهکاری و انگیزه آنرا شناخت و کوشش کرد که علت از میان برداشته شود زیرا اگر علت برداشته شد معلول که همان ناسازگاری و یا بزهکاری باشد خود بخود از بین خواهد رفت همانطور که در دستورات و قوانین آسمانی اسلام نیز بیشتر بمسئله ارشاد و هدایت و تنبیه انسانها توجه شده و پیغمبر اکرم (ص) میفرمایند (انی بعثت لاتم مکارم الاخلاق) من برای تکمیل مبانی اخلاق شایسته بشری برانگیخته

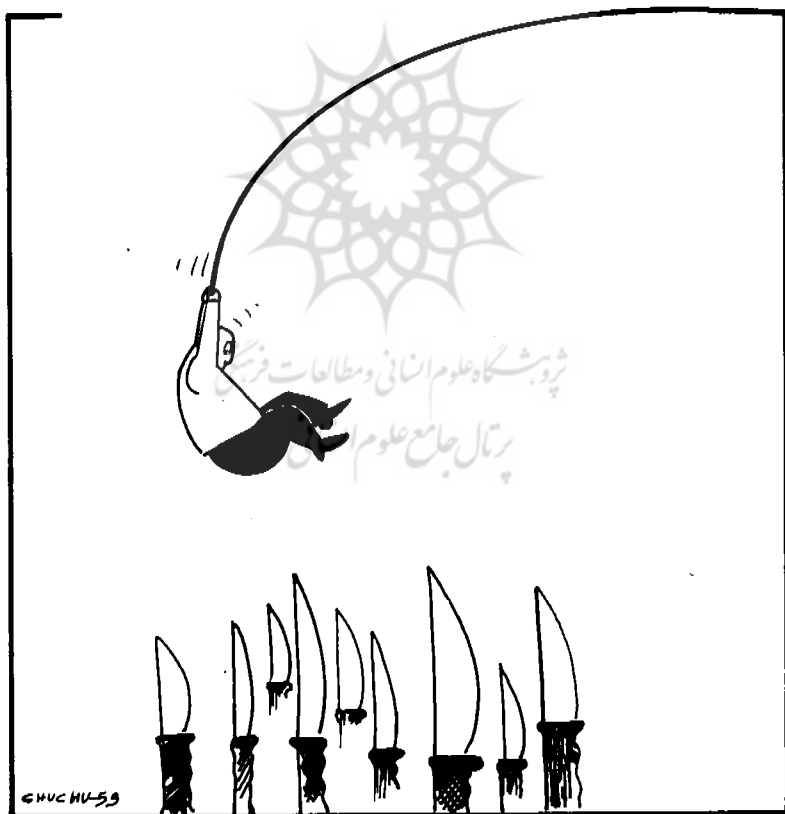
بقیه در صفحه ۴۸

دارد پس حتما بزهکار میشود، بلکه موضوع بزهکاری اغلب ترکیبی است از مجموعه علل و عوامل مختلف و بعلاوه نوع ترکیب اینها و لحظهای که ممکن است منتهی به بزهکاری شود خود موضوع قابل توجهی است که چگونه ممکن است در بعضی موارد باوجود عوامل مختلف و محیط جرمزا، طفلی مرتکب جرم نمیشود و طفل دیگری در آن شرایط مرتکب جرم میشود، که البته این موضوعی است که جرم شناس با بررسی درباره شرایط و اختصاصات در هر مورد خاص باید اظهار نظر کند و بهمین جهت امروز درباره هر طفلی که مرتکب جرم میشود بطور جداگانه در مورد علل آن به بررسی و تشخیص میپردازند و معمولا علاوه بر جرم - شناس عده‌ای از متخصصین مانند روانپزشک، پزشک، روانشناس و مددکار

بنام خدا

صفحه سفیدی که در مقابل شما قرار دارد ، برای شما گه مسائل و مشکلات تربیتی و آموزش فرزندان خود و نیز پیشنهادات و راه -
حلهایی که به نظرتان میرسد برای ما بنویسید .

پیوند ما با این ارتباط محکمتر میشود و شما که اولیاء و مربیان فرزندان
هستید با تلاش و ارتباط بیشتر در پیدا کردن راههای مناسب میتوانید
در یاری ما سهم بزرگی داشته باشید . انشاءالله که اینطور خواهد شد .





بعد از نوشتن پیشنهادات خود از این خط تا کنید و مثل پاکت بچسبانید



شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جای نمبر



انجمن اولیاء و مربیان ایران

نشانی : تهران ، دروازه شمیران ، خیابان فخرآباد کوی ۱۵ صندوق پستی : ۱۳/۱۲۵۵

کد پستی ۱۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تاریخ

مهره پستی

شکست خورده از کسانی بوده اند که از ابراز و گفتن یک جمله تشویق آمیز دریغ و مضایقه میورزیده‌اند و حال آنکه یک جمله تحسین آمیز و یک لبخند رضایت بخش اعجاز می‌آفریند .

معلمی میگفت تازه استخدام شده و درس هندسه میدادم وقتی میخواستم بکلاس بروم بمن گفتند از فلان شاگرد حذر باش چه نه درس میخواند و نه اخلاق دارد . بکلاس رفته با حضور و غیاب کردن آن شاگرد را شناسائی کردم وقتی درس هندسه را به پایان رساندم او را پای تخته آورده گفتم درس را توضیح بده البته در اینکار کمکش کردم وقتی میرفت سرچایش بنشیند باو گفتم فکر تو در فهم هندسه قوی است یکهفته بعد پدرش بمدرسه آمده بسراغ معلم هندسه را گرفته بود وقتی با او ملاقات کردم بمن گفت شما اعجاز کرده‌اید گفتم من اعجاز نکردام همه میکنند او نمیفهمد من گفتم میتواند بفهمد با اینکه نمرات در سهای دیگرش خوب نبود ولی نمره هندسه‌اش هیچده شده بود .

بنابراین نباید فراموش کنیم که تشویق کردن و شخصیت دادن در حد زنده کردن و حیات دوباره دادن است ما که میتوانیم بدیگران حیات و زندگی بدهیم چرا از اعطاء آن دریغ و مضایقه بنمائیم ؟ .

* *

خدا میداند همین افرادی که ما آیه یاس برایشان میخوانیم چه نیرو و استعدادهایی را دارا میباشند اگر بجای تندى و خشونت نا امید کردن و توهین نمودن با یک جمله آنان را تشویق کنیم و بآنها تفهیم کنیم که توانائی انجام کار در آنها وجود دارد و عرضه انجام آن کار را دارا میباشند آنوقت خواهید دید که انسانها چه موجود عجیبی هستند که با یکجمله میمیرند و با یکجمله زنده شده حیات مییابند .

میگویند کمال‌الملک نقاش چیره دست را بسیاری از معلمانش میخواستند از مدرسه بیرون کنند ولی معلم نقاشی او بدفتر رفته بمدير مدرسه گفته بود که در کلاس درسش شاگردی هست که استادی و چیره دستی او در نقاشی از او بیشتر است .

باید باور کنیم که همین جمله کوتاه معلم کمال الملک را باوج هنرمندی و شهرت رسانید .

مدیر خوب آنکس نیست که از امکانات مادی فراوانی برخوردار باشد بلکه مدیر خوب کسی است با دست خالی با زبان تشکر آمیزی نیروهای نهفته انسانها را تجهیز کرده کارآئی آنان را بسرحدامکان برساند پس مدیریت در بحیران انداختن استعدادها خلاصه میشود .

تجربه نشان داده که بسیاری از مدیران

کنند و از کارهای خوب آنها تقدیر نمایند .
۴- همه آنها نیازهای تقریباً مشابهی دارند و با ارضاء آنها شاد میشوند . مربی خوب کسی است که از این مشابتهای در پرورش کودکان به حداکثر استفاده کند .

* *

سر مقاله

بقیه از صفحه ۳

تقریباً هفته‌ای یکبار آنها را دعوت میکردیم و جز همان چند نفری که اول هم آمده بودند کس دیگری بمرسه نمیآمد ، یکروز سرصف به بچه‌ها اطلاع دادم که فردا ساعت ۴ بعد از ظهر به تمام اولیاء ناید میدهیم و قراراست نایدها از طریق مدرسه توزیع شود ، روز بعد ساعت ۴/۵ در مدرسه جا برای ایستادن نبود همه آمده بودند و حتی همسایگان خودشان را نیز آورده بودند منم یک قوطی ناید ناید را روی میز گذاشته بودم و از پشت همان قوطی شروع به صحبت کردم ، وقتیکه آنها فهمیدند موضوع چیست احساس شرم را در چهره فرد فرد آنها میدیدم و دانستند که تربیت و آموزش و پرورش فرزندانشان از ناید ناید مهمتر است از آن زمان به بعد هر موقع آنها را دعوت کنیم فوراً میآیند " این حقیقت ما را نکان داد چرا مردم بهر مسئله‌ای بیش از نظارت و دقت در کار فرزندانشان

مشکل است . زیرا بر پایه اختلافات موجود بین خصوصیات رفتاری کودکان روش کار معلم در مورد هریک از آنها متفاوت خواهد بود .

طبقه بندی کودکان بر حسب بهره هوشی یا طبقه اجتماعی یا توانائیهای آنها بوسیله مربی کاری عملی نیست زیرا گروه بندی کودکان به "خودپنداری" آنها لطمه میزند و از اعتماد بنفس آنها میکاهد . کودکان در عین اختلافاتی که با یکدیگر دارند از بسیاری جهات بهم شبیه هستند . مربی از هر دو جنبه مثبت و منفی موجود بین آنها باید استفاده کند . بطور خلاصه در مورد کودکان بایستی اعتقاد داشت که خصوصیات مشابهی در آنها وجود دارد که ذیلاً خلاصه میشود :

۱- همه کودکان بعنوان فرزندان انسان خصوصیات یکسان و مشابهی دارند . همه آنها با احساس شکست دچار ناامیدی و تحقیر میشوند .

۲- باوجود علاقه شدید به استقلال فردی مایلند در میان جمع زندگی کنند و از بازی با همسالان خود خشنود میشوند .

۳- هنگامی که در فعالیت‌های خود با موفقیت مواجه میگردند بآنها احساس رضایت ، سرافرازی و خودنمایی روی میدهد و مایلند که دیگران آنها را درک

اهمیت میدهند .

داشته و رعایت کنند .

بیائید از این حالت رخوت و سستی
بدرآئیم موضوع تعلیم و تربیت
فرزندانمان را جدی بگیریم . رفتار و
کردار او را زیر نظر داشته باشیم هرگونه
تغییر حالت او را بررسی کنیم به درس و
مشق او بی نظر نباشیم بمدرسه برویم و
از اولیاء مدرسه بخواهیم که ما را در
جریان پیشرفت او قرار دهند ، انجمنها
را یاری دهیم و از خدا بخواهیم این
وحدت بین مدرسه و ما را محکمتر کند
و ثابت کنیم لیاقت آنرا داریم طلابه دار
تمدن اسلامی در جهان باشیم .

- ۱- لیقوم الناس بالقسط
- ۲- کبر مقنا عبدالله ان تقولوا مالا تفعلون
(سوره صف آیه ۳)
- ۳- ان لم یکن لکم دین ولا تخافون المعاد
فکونوا احرازا فی دنیاکم (اماحسین (ع)
- ۴- حق ۲۴ از رساله حقوق امام سجاد
علیه السلام - از کتاب راه و رسم زندگی .

* *

مسئولیتهای پدر و مادر

بقیه از صفحه ۱۰

خدایار و نگهدار شما باشد . پیوند

* *

اجرای عدالت در

بقیه از صفحه ۲۲

- به قول و وعده خود وفادار باشند .

- علاوه بر تدریس به مشکلات شاگردان هم
رسیدگی کنند .

اینها قسمتی از انتظارات شاگردان است
اما وظیفه مربیان بمراتب عمیق تر از اینها
خواهد بود که باتوجه بیشتر سعی کنیم
گوشه‌ای از حقوق آنها را ادا کنیم و در مسیر
اجراء و عدالت در جامعه سهمی داشته
باشیم و در آینده از چنین فرزندان و
شاگردانی میتوان انتظار داشت که احترام و
مقام والای پدر و مادر و معلم را در نظر

در صورتیکه با فن دقیق و حساس
تربیت آشنا نیستند و در زندگی هم تجربه
ندارند . ناچار هرکسی مطابق سلیقه
خودش و بدون آگاهی لازم عملی انجام
میدهد که نتیجه‌اش بخوبی روشن نیست و
بعدها حاصل بی‌اطلاعی و عدم آگاهی آنها
آشکار میشود و معلوم میشود که کودک
بیگناه در این مدت چگونه بی برنامه و
بدون وسائل تربیتی شکل و فرم پذیرفته
است . پدر و مادر گرچه در طول زندگی
میتوانند اطلاعاتی بدست آورند و با
تجربهای گذشته خویش با امور تربیتی
آشنا گردند ولی این اطلاعات غالباً
بی نتیجه میماند و نمیتواند برای بازسازی
و اصلاح فرزندانمان سودمند باشد .
زیرا موقعیت حساس تربیت کودک سپری
شده و هرچه باید بشود شده است . دوران